



محمود مهدی پور

امامت و اطاعت

نیاز به رهبری در جامعه بشری، نیازی فرازمانی و فرامکانی است. هیچ جامعه بزرگ و کوچکی نیست، مگر اینکه نیاز به مدیر و رهبر و رئیس و امیر دارد. به تعبیر زیبایی امیرالمؤمنین علیه السلام که فرمودند: «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ»^۱ [هدایت] مردم مجبور به داشتن امیر هستیم خواه نیک، و یا فاجر باشد.» در طول تاریخ از عقب مانده ترین

اقوام تا پیشرفته ترین ملت‌ها، همیشه جامعه‌ها رئیس داشته و افراد و یا گروه‌هایی زعامت و ریاست و فرماندهی و رهبری آنان را بر عهده داشته‌اند.

در تاریخ پیامبران الهی، از آدم تا خاتم، پیامبران، مسئولیت هدایت و رهبری دین و دنیای مردم را برعهده داشته و رهبر جامعه خویش و فصل الخطاب اختلافات اجتماعی بوده‌اند. «وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۲؛ «ما هیچ پیامبری را

۱. نهج البلاغه، صبحی صالح، انتشارات جامعه

مدرسین، قم، خ ۴۰.

۲. نساء/۶۴.

نفرستادیم مگر برای اینکه به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.»

حاکم اصلی و اولی در نظام خلقت و شریعت، خداست و حاکم مطلق، اوست. اطاعت انسان از آفریننده و تأمین کننده و خالق و رازق و مربی و ملک و مالک و صاحب اختیار عالم و آدم، ریشه فطری و عقلی دارد؛ ولی اطاعت انسان از انسانها یا موجودات دیگر، دلیل و منطقی عقلایی می‌خواهد. اطاعت اشخاص از والدین، اطاعت از معلم و اطاعت زن از همسر، در چهارچوب قوانین الهی ریشه‌های عاطفی، فکری و عقلی دارد و انسان «هستی» و «کمال» و «بهبیستی» خویش را در این‌گونه اطاعت و پیروی جستجو می‌کند.

اطاعت از پیامبران در حقیقت اطاعت از خداست. در قرآن چنین می‌خوانیم:

«مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ»؛^۱
«کسی که از پیامبر اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است.»

هر کسی از رسول خدا اطاعت کند از خدا اطاعت کرده است. بنابراین انبیاء هم به نیابت از خدا حق اطاعت شدن دارند. اصولاً ریشه اطاعت دو چیز است: تعقل و تحقیر. تعقل و خردگرایی انسان را به اطاعت آگاهانه و عاشقانه و منطقی وا می‌دارد. ذلت و خودکم‌بینی و حقارت هم انسان را به اطاعت از روی ترس و ذلت و خواری می‌کشاند. درباره فرعون چنین می‌خوانیم:

«فَأَسْخَفَ قَوْمَهُ فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ»؛^۲ «(فرعون) قوم خویش را تحقیر کرد پس او را اطاعت کردند، آنان گروهی فاسق بودند.» یک شاخص نظام حق و باطل این است که نظامهای حق، با تکریم، انسان را

۱. نسا- ۸۰/.

۲. زخرف/ ۵۴.

تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ
 إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ
 خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا؛^۱ «از خدا اطاعت
 کنید، از رسول خدا و اولو الامر که
 از خود شماست اطاعت کنید، پس
 اگر در چیزی نزاع کردید، کار را به
 خدا و رسول ارجاع دهید، اگر به خدا
 و روز بازپسین ایمان آورده‌اید، این
 بهتر و خوش‌فروتر است.»

جانشینان پیامبران بدون تردید حق
 اطاعت و رهبری داشته و دارند و
 هیچ پیامبری بدون وصی و جانشین
 نبوده است. در تاریخ پیامبران،
 جانشین هر پیامبری توسط خود او
 معرفی شده و توسط مردم انتخاب
 نمی‌گردید. تاریخ هیچ انتخاباتی برای
 گزینش جانشین پیامبر ثبت نکرده
 است. و از سوی دیگر دهها سند
 تاریخی، حدیثی، قرآنی، وجود دارد
 که پیامبران جانشینانی داشته و این

به اطاعت می‌کشاند، نظامهای باطل،
 با تحقیر و توهین.

هدف از اطاعت عاقلانه و مشروع،
 دست یابی به رحمت الهی است. ﴿وَ
 أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾^۱
 «خدا و رسول را اطاعت کنید باشد
 که مورد رحمت قرار بگیرید.» و هدف
 نظامهای باطل بهره‌کشی از امکانات
 مردم برای منافع ثروتمندان و حاکمان
 می‌باشد. دست‌یابی به بهشت، و فوز
 عظیم و کبیر بدون اطاعت از خدا و
 رسول ﷺ مقدور نیست.^۲

همراهی و همگامی با صالحان در
 دنیا و آخرت جز در پرتو اطاعت از
 خدا و رسول امکان‌پذیر نیست.^۳ اطاعت از اولو الامر از موارد
 دیگری است که در قرآن صریحاً به
 آن دعوت شده است. ﴿أَطِيعُوا اللَّهَ وَ
 أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ

۱. آل عمران/۱۳۲، توبه/۷۱.

۲. نساء/۱۳.

۳. نساء/۸۰.

۴. نساء/۵۱.

اطاعت کردیم، پروردگارا آمرزش تو را می‌طلبیم و بازگشت به سوی توست.»

مؤمنان با خدا پیمان مستحکمی دارند که اوامر و نواهی او را بشنوند و اطاعت کنند. در سوره مائده چنین می‌خوانیم ﴿وَ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللّٰهِ عَلَيْكُمْ وَ مِيثَاقَهُ الّٰذٰى وَاَتَقَّكُمْ بِهٖ اِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا وَ اتَّقُوا اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌ بِذٰتِ الصُّدُوْرِ﴾^۲ «به یاد آورید نعمت خدا را بر خودتان، و پیمانی که با او بستید؛ هنگامی که گفتید: شنیدیم و اطاعت کردیم. تقوای الهی را پیشه کنید. خداوند به درون قلبهای [شما] آگاه است.»

قرآن از زبان کفار بازگو می‌کند که در جهنم چنین آرزو کرده می‌گویند: ﴿يٰٓاَيُّهَا اللّٰهُ اَطَعْنَا الرَّسُوْلًا﴾^۳ «ای کاش خدا و رسول را اطاعت می‌کردیم.» آنان راز گمراهی خویش

جانشینیان توسط خود پیامبران یا پیشوایان قبلی انتخاب می‌شده‌اند. اصولاً انسانها نسبت به دیگران سه حالت دارند:

۱. از آنان بالاتر هستند؛
 ۲. با آنان مساوی هستند؛
 ۳. از آنان از جهت فهم و عقل و ارزشهای انسانی پایین‌تر می‌باشند.
- کنار نهادن تشخیص و اراده خویش در برابر دیگران، منطق و استدلال لازم دارد.

در مسئله پیروی و اطاعت فقط یک فرض قابل قبول است و آن موردی است که انسان در برابر انسانی برتر از خویش قرار گیرد؛ برتری در اموری که به سعادت و شقاوت انسان مربوط است. مؤمنان در برابر خدا و رسول او تسلیم بوده «سمعاً و طاعة» می‌گویند و آمرزش او را می‌جویند.

﴿وَ قَالُوْا سَمِعْنَا وَ اطَعْنَا غُفْرٰنَكَ رَبَّنَا وَ اِلَيْكَ الْمَصِيْرُ﴾^۱ «و گفتند شنیدیم و

۲. مائده/۷.

۳. احزاب/۶۶.

۱. بقره/۲۸۵.

حرام و نامشروع است. به این آیات قرآنی بیش‌تر بیان‌دیشیم:

۱. ﴿وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ وَكَانَ أَمْرُهُ فُرُطًا﴾؛^۱ از کسانی که قلبشان را از یاد خود غافل ساختیم اطاعت مکن، همانها که از هوای نفس خود پیروی کردند و کارهایشان افراطی است.

۲. ﴿فَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾؛^۲ از کافران اطاعت نکن و به وسیله آن (قرآن) با ایشان به جهاد بزرگ برخیز. در سوره احزاب قرآن دوبار تأکید می‌کند: ﴿لَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ﴾؛^۳ از کافران و منافقان، فرمان‌نبر.

۳. در سوره قلم، قرآن اطاعت از تکذیب‌گران و هرگونه «حلاف مهین» را ممنوع اعلام می‌دارد. کسی که بسیار سوگند می‌خورد و پست و

را اطاعت از سران و بزرگان خود می‌دانند و می‌گویند: ﴿إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾؛^۴ «ما بزرگان و سروران خودمان را اطاعت می‌کردیم و آنها ما را گمراه کردند.» بدون تردید نخبگان و سران بی‌صلاحیت و کم‌بصیرت عامل گمراهی جامعه می‌شوند.

اطاعت ممنوع!

اطاعت‌های ممنوع از نگاه قرآن فراوان است و اصولاً عقل و فطرت و حقوق طبیعی و اصل فقهی حکم می‌کند که انسان آزاد باشد و کسی بر دیگران «حق فرماندهی و اطاعت» نداشته باشد.

اطاعت انسان از «انسان کامل» (پیامبران و امامان) در نگاه عقل و عرفان مقبول و مطلوب است؛ ولی اطاعت از افراد و گروه‌های فاقد صلاحیت نه تنها واجب نیست؛ بلکه جایز و مشروع نیست. اطاعت از آنان

۲. کهف/۲۸.

۳. فرقان/۵۲.

۴. احزاب/۴۸.

۱. همان/۶۷.

عیب‌جو و سخن‌چین است، مانع خیر و متجاوز و گنه‌کار است. کینه‌توز و پرخور و خشن و بدنام است.

قرآن هشدار می‌دهد از اینگونه افراد به دلیل ثروت و فرزندان فراوان آنان، اطاعت نکن. ثروت و قدرت نظامی هرگز نباید باعث شود، جامعه تسلیم کفار و اشرار و بدکاران و پلیدان گردد.

۴. قرآن در سوره شعراء اطاعت پذیری از اسرافگران را ممنوع اعلام می‌دارد:

﴿وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ﴾؛ «از دستور اسرافگران اطاعت نکنید، آنها که در زمین تباهی می‌آفرینند و اصلاح نمی‌کنند.»

۵. از دیگر موارد اطاعت‌های ممنوع، اطاعت از برخی پدر و مادرهاست که فرزند خویش را به شرک و انحراف عقیدتی و عملی از دستورات الهی

وامی دارند. این موضوع در دو سوره قرآنی با اندکی تفاوت آمده است: ﴿وَإِنْ جَاهِدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا﴾؛^۲ «و اگر پدر و مادر بکوشند، تو را به شرک بکشانند، چیزی که نسبت بدان علم نداری، از آنان اطاعت مکن.»

اصولاً اطاعت هیچ مخلوقی در برابر خالق و برخلاف فرمان الهی جایز نیست، اطاعت از والدین، اطاعت از معلم، اطاعت از همسر، اطاعت از شرکتها و دولتها و نهادهای بین‌المللی و داخلی همه و همه در چهارچوب قوانین الهی مجاز است. در کلمات کوتاه نبوی و امیرالمؤمنین علیه السلام چنین آمده است:

«أَطَاعَةُ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ؛^۳ اطاعت از هیچ مخلوقی در مورد معصیت خالق جایز نیست.» اصولاً قبول و امضاء و موافقت با قراردادها

۲. عنکبوت/۸ و لقمان/۱۵.

۳. نهج البلاغه، صبحی صالح، حکمت ۱۶۵.

۱. شعراء/۱۵۱-۱۵۲.

سنن نادرست پیشینیان، پیروی از شاعران گمراه و هنرمندان گمراه‌کننده، پیروی از متشابهات قرآنی، و بسیاری موارد، دنباله‌روها و اطاعت‌های نامعقول و نامشروع است که در قرآن عظیم بدان تصریح شده است.

علاوه بر معیارهای قرآنی که «انسان کامل» و «برتر» را شایسته اطاعت و رهبری می‌داند، پیامبر اعظم در جریان غدیر و صدها مورد دیگر شایستگی و برتری و رهبری علی علیه السلام را برای امت اسلامی تصریح کرده است. از جمله بدین حدیث توجه کنیم:

«عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لِعَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَبَّةِ اللَّهِ مِنْ آدَمَ وَ بِمَنْزِلَةِ سَامَ مِنْ نُوحَ وَ بِمَنْزِلَةِ إِسْحَاقَ مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَ بِمَنْزِلَةِ شَمْعُونَ مِنْ عِيسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي يَا عَلِيُّ أَنْتَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي فَمَنْ جَحَدَ وَصِيَّتَكَ وَ خِلَافَتَكَ فَلَيْسَ مِنِّي وَ

و کنوانسیونها و پروتکل‌هایی که کل آن یا بندهایی از آن بر خلاف احکام الهی باشد، مشروع نیست، نه خود فرد حق اطاعت دارد و نه دولت اسلامی می‌تواند، مسلمانان را به قبول آن ملزم نماید. رهبری و ولایت در جامعه اسلامی حق خدا و نمایندگان او در زمین و زمان است.

علاوه بر آیات ولایت، آیات مربوط به «اطاعت» و «اتباع»، تکلیف جامعه بشری را در مسئله حکومت و رهبری مشخص کرده است.

پیروی از هوس و هوس‌زدگان، پیروی از جهل و ناآگاهان، پیروی از ظن و اطاعت ناقص خود و دیگران، پیروی از خط مشی مفسدان، پیروی از شیطان، پیروی از رفاه‌زدگان، پیروی از فرمان‌جباران عنود، پیروی از فرعون‌های جهان، پیروی از شهوات، پیروی از ثروتمندان و قدرتمندان منحرف، پیروی از باطل، پیروی از گام‌های شیطان، پیروی از اولیای غیر الهی، پیروی از آداب و

حاکم اصلی و اولی در نظام
 خلقت و شریعت، خداست
 و حاکم مطلق، اوست.
 اطاعت انسان از آفریننده
 و تأمین کننده و خالق و
 رازق و مربی و ملک و
 مالک و صاحب اختیار عالم
 و آدم، ریشه فطری و
 عقلی دارد؛ ولی اطاعت
 انسان از انسانها یا
 موجودات دیگر، دلیل و
 منطقی عقلانی می خواهد

معیارهای یاد شده در این حدیث
 معیار صلاحیت و اولویت برای
 رهبری و رهبران امت اسلامی، در
 طول تاریخ است. معیارهایی که در
 غدیر نمونه اعلاهی آن معرفی گردید.

لَسْتُ مِنْهُ وَ أَنَا خَصْنُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَا عَلِيُّ
 أَنْتَ أَفْضَلُ أُمَّتِي فَضْلًا وَ أَقْدَمُهُمْ سِلْمًا وَ
 أَكْثَرُهُمْ عِلْمًا وَ أَوْفَرُهُمْ حِلْمًا وَ أَشْجَعُهُمْ
 قَلْبًا وَ أَسْخَاهُمْ كَفَاءً^۱

رسول خدا ﷺ به علی عليه السلام فرمود:

تو نسبت به من در جایگاه هبة الله
 نسبت به آدم، منزلت سام نسبت به
 نوح و جایگاه اسحاق نسبت به
 ابراهیم و جایگاه هارون در برابر
 موسی و شمعون نسبت به عیسی قرار
 داری؛ جز اینکه پس از من پیام آوری
 نخواهد بود. یا علی! تو وصی من و
 خلیفه من هستی، هر کس وصایت و
 خلافت تو را انکار کند از من نیست
 و من پیوندی با او ندارم و من روز
 قیامت خصم او خواهم بود. یا علی!
 تو برترین افراد امت من، پیشگام ترین
 آنان در اسلام، داناترین آنان و
 حلیم ترین ایشان، شجاع ترین و
 سخنی ترین آنان هستی.»